

طرحی برای قطعنامه درباره ی حقوق شهروندی ملت ایران

منوچهر تقوی بیات

سپتامبر 2010

طرحی برای قطعنامه درباره ی حقوق شهروندی ملت ایران جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لاییک در راستای تحقق همیشگی یک پارچگی میهنمان ایران در یک نظام مردم سالارانه، رفع ستم قومی را شرط اساسی می داند و سند سیاسی گرد همایی سوم تأکید و تصویب کرده است که:

« مبارزه برحق اقوام تحت ستم ایرانی برای رفع تبعیض ها و نابرابری ها و در راه احراز حقوق دموکراتیک، آزادی های فرهنگی و توزیع عادلانه ثروت های ملی همه جا با یورش بیرحمانه نظامیان و ماموران امنیتی رژیم روبرو بوده است. ایران سرزمین تاریخی و مشترک اقوام گوناگون است. همه ایرانیان باید بتوانند از آزادی کامل در راه پاسداری و شکوفائی فرهنگ و زبان مادری خود بهره- مند باشند و از حق تصمیم گیری و مشارکت در اداره امور محلی و منطقه ای برخوردار گردند. گرچه سیاست نظامیگری و سرکوب ها نتوانسته از تداوم این مبارزات جلوگیری کند ولی زمینه ای برای رشد گرایشهای افراطی قومی پدید آورده است. تمایلات افراطی که از سوی کارگزاران برخی دولت های همجوار و پاره ای قدرت های جهانی نیز به آنها دامن زده میشود، مبارزه متحد مردم برای دموکراسی و آزادی را به بیراهه میکشاند و میتواند در آینده یکپارچگی کشور را به مخاطره اندازد. به باور ما حفظ یکپارچگی ایران در نظامی دموکراتیک در گرو رفع ستم قومی است.»

چنین اندیشه ای دست آورد تجربه های تلخ دخالت های بیگانگان در زندگی مردم میهن ما می باشد. از آغاز قرن شانزدهم میلادی با استقرار کمپانی هند شرقی در همسایگی میهن ما ایران و با دخالت های استعماری انگلستان در منطقه، سرزمین های گسترده ای مانند افغانستان، پاکستان که همان بلوچستان جدا شده از ایران باشد، ترکمنستان، سرزمین سغد یا تاجیکستان، عراق و سرانجام اران یا آذربایجان از کشور ما جدا شده است که امروز هیچ یک از سرزمین های جدا شده از یکدیگر، موقعیتی مطلوب تر و مترقی تر از ایران ندارند. همراه و همزمان با انقلاب مشروطیت دسیسه های انگلستان بالا گرفت و موجب دخالت روس ها در امور سیاسی ایران نیز گردید. قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس با روسیه، به توپ بستن مجلس شورای ملی و کشتار و تبعید نمایندگان مجلس و آزادیخواهان را بدنبال داشت و قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس، کودتای قزاق های تحت فرماندهی ژنرال آبرون ساید انگلیسی در سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی را تحقق بخشید.

از کودتای ۱۲۹۹ رضا خان و استعمارگران انگلیسی، تا به امروز حکومت های دست نشانده ی قدرت های بزرگ در ایران امکان تشکیل هیچ حزب سیاسی و هیچگونه همفکری و تبادل نظر آزاد را به مردم ایران نداده اند. وزیران و برنامه ریزان فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی گماشته ی بیگانگان، در ایران مانند امروز آنچه در دستور کار خود قرار می دادند همیشه بر ضد مصالح و منافع ملت ایران بوده است. مفهوم ملت به معنای "مردم هم سرنوشت" با حقوق شهروندی برابر، در یک محدوده ی جغرافیایی، به بهانه های گوناگون آماج حمله ی سیاسی بیگانگان قرار گرفته است تا جایی که امروزه می کوشند ملت ایران را در خندق امت اسلامی نابود سازند تا بکلی از مفهوم ملت ایران و ایرانی اثری باقی نماند.

ملت ایران که در انقلاب مشروطیت به گونه ای تازه و مدرن با آرمان: " قوای مملکت ناشی از ملت است!" سرنوشت خود را رقم زده بود و تولدی تازه یافته بود، پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ همه ی اختیارات و آزادی های خود را از دست داد و عملاً زندانی بیگانگان و نوکران آنان شد. خیزش آزادیخواهانه و رهایی بخش مردم ایران به رهبری دکتر مصدق دست بیگانگان را از منابع ملی و سرنوشت ملت ایران کوتاه کرد. اما شوربختانه بار دیگر با کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مبارزات مردم ایران با شکست مواجه شد و تا به امروز کشور ما گرفتار دخالت های سرمایه داران جهانی و گماشتگان آنان بوده و ملت ایران از تمام آزادی های انسانی، اجتماعی و سیاسی محروم است و هیچگونه دخالتی در سیاست داخلی و خارجی کشور و هیچ گونه اختیاری در تعیین سرنوشت خود ندارد. همه ی اقشار و طبقات مردم در سراسر کشور با هر جنس، با هر مذهب یا اندیشه ی اجتماعی و با هر رنگ و زبان، همیشه مورد آزار و تبعیض و ستم حکومت های وابسته و ضد ایرانی قرار گرفته اند.

آنچه از ۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۸۸ تا به امروز در ایران گذشته است نشان دهنده ی عزم خستگی ناپذیر ملت ایران برای کسب آزادی های فردی و اجتماعی، استقلال و عدالت اجتماعی و در جهت سرنوشتی حکومت دینی و ضد مردمی در ایران بوده است. این حکومت به ظاهر مذهبی اما بیگانه پرست و مردم ستیز و ضد انسانی نشان داده است که در راه ستم بر شهروندان ایرانی و کشتار و شکنجه و زندانی کردن آنان، هیچ تفاوتی بین شهروندان مسلمان و نامسلمان، شیعه و سنی، فارس، ترک، لر، بلوچ، خوزستانی، گیلانی، مازندرانی، تهرانی، آذربایجانی، زن و مرد و کودک، قائل نیست. زندانیان کهریزک و اوین و گوهردشت با زندانیان سنندج و تبریز و شیراز و اهواز و زاهدان و دیگر شهرهای ایران همگی به یک شیوه شکنجه شده و بر خلاف اعلامیه حقوق بشر کشته می شوند.

جمهوری خواهان دمکرات و لاییک ایران خواهان برقراری حکومتی جمهوری بدون وابستگی به قدرت های بیگانه و مستقل از هرگونه مذهب و مرام و ایدئولوژی در اداره ی کشور و زندگی فردی و اجتماعی مردم

می باشد. حکومتی جمهوری برپایه ی حقوق شهروندی برابر در سراسر کشور، با حق رأی برابر که در تمام زمینه های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی به همه ی آحاد مردم اجازه و امکان دهد تا درباره ی سرنوشت خود و چگونگی زندگی خود در برزن یا استان محل زندگی خود تصمیم بگیرند و هیچگونه مانع و اما و آگری برای انتخاب شیوه ی زندگی کردن یعنی لباس پوشیدن و سنت و آیین و زبان مادری خود نداشته باشد که البته همه ی این گونه آزادی ها در اعلامیه ی حقوق بشر زیر نام "حقوق شهروندی برابر" تعریف و تصویب شده است.